

آیا تشکیل جلسات مقدماتی دادگاه‌های جنائی بدون ابلاغ داد شاکی خصوصی قانونی است؟

عدالت ایجاب می‌کند که زیان دیده از جرم بتواند با دخالت و ورود به دادگاه‌های جنائی، برای دفاع از حق از دست زفته خود، هم تسکین خاطر بیابد و هم زیان وارده بخود را جبران کند. و از طرفی نظم عمومی اقتضا دارد که با اجازه ورود شاکی خصوصی در دعوی جنائی حقوق عمومی را بهتر حفظ و تأمین نمایند و نتیجتاً در استواری نظم در جامعه کمک مؤثری باشد قانون نیز این اقدام را تجویز نموده، و علاوه بر اجازه ورود شاکی خصوصی بدعوی جنائی، اصولاً از نظر حفظ و صیانت جامعه در ماده ۲ قانون آئین دادرسی کیفری برای جرم دو حیثیت قائل شده - یکی حیثیت عمومی از جهتی که منحل نظم عمومی است و دیگری حیثیت خصوصی از آن جهت که راجع به تضرر شخصی یا اشخاص و یا هیئت معینی است؛ و لذا برای هر جرمی دو ادعا قائل است -

۱ - ادعای عمومی برای حفظ حقوق عمومی

۲ - ادعای خصوصی برای مطالبه ضرر زیان شخصی.

سهم این است که قانونگذار این دو ادعا را برابر و در عرض یکدیگر قرار داده است، و با آنکه تعقیب جرائم را از نظر جنبه عمومی آن بعهده مدعی العموم گذارده معیناً ترجیحی برای جنبه عمومی جرم نسبت به جنبه خصوصی آن قائل نشده است، و حتی در بعضی موارد به جنبه خصوصی جرم آنقدر اهمیت داده که شروع تعقیب را سوکول به اجازه و اقامه دعوی از طرف مدعی خصوصی نموده و جنبه عمومی آن را بسببی فراموش کرده است. حتی در جرائمی که جنبه عمومی آن مورد اغماض قانونگذار واقع شده حقوق خصوصی را نادیده نگرفته و تعقیب را سوکول به اقامه دعوی مدعی خصوصی کرده است. این نکته شایان توجه است که قانونگذار تا آنجا در رعایت حقوق خصوصی اصرار ورزیده که حتی در بعضی موارد جرائم بزرگ، که جنبه عمومی آن بسیار سهم و نظم عمومی اقتضای تعقیب را دارد، دستگاه عمومی را مکلف به تبعیت از مدعیان خصوصی نموده و در صورت انصراف آنها از تعقیب دستگاه دادستانی را نیز مکلف به ترك دعوی عمومی نموده است بنا بر این نظر و با توجه به حقوق مدعی خصوصی است که ماده ۲، اصول محاکمات جنائی مقرری داشت (همینکه سهم بجهتی از جهات قانونی تحت تعقیب قرار گرفت متضرر از جرم می‌تواند کلیه دلایل و مدارک خود را اعم از اصل یا رونوشت بماسورت تعقیب تسلیم کند که ضمیمه پرونده شود و نیز می‌تواند در مورد جنحه و خلاف تا اولین جلسه دادرسی و در امور جنائی قبل از تشکیل جلسه مقدماتی تسلیم دادگاه کرده و مطالبه ضرر و زیان نماید . . .)

حق دخالت متضرر از جرم در محاکمات جنائی بدین وسیله شناخته شده بود، لیکن غالباً اتفاق می‌افتاد که متضررین از جرم (شاکی خصوصی)، به علت عدم اطلاع از

مقررات پیچیده آئین دادرسی و تألمات وارده ، باسید اینکه بعدها در دادگاه اقدام بدفاع از حق خود خواهد کرد ، توجیهی به وقت فرصت قانونی و انقضای آن نداشتند ؛ و چون از طرفی امکان نداشت که شب و روز پشت درب دادسرا کشیک دهند تا از نوبت پرونده خود اطلاع حاصل نمایند و قبل از جلسه اول دادرسی اقدام به تقدیم دادخواست کنند ، لذا وقتی از جریان امر آگاه می شدند که حکم محکومیت ستمم صادر و وقت مهلت قانونی آنها منقضی شده بود .

تضمین حقوق شاکیان خصوصی بجائی رسید که مقامات قانونگزاری ، با همه گرفتاری و پشت گوش اندازی ها ، بر آن شدند که درصدد حفظ حقوق شاکیان خصوصی برآیند لذا در سال ۱۳۳۵ ضمن اصلاح مواد آئین دادرسی کیفری تبصره ای به ماده ۱۲ افزودند که بموجب آن مقرر گردید - (پس از صدور کیفرخواست و ارسال آن بدادگاه دفتر دادگاه مکلف است وقت جلسه دادرسی را به مدعی خصوصی یا شاکی خصوصی یا محل اقامت قانونی آنها ابلاغ نماید) .

با توجه به ماده ۱۲ آئین دادرسی کیفری باین نتیجه سیرسیم که

۱ - متضرر از جرم در امور خلاف و جنحه میتواند تا اولین جلسه دادرسی اقدام به تقدیم دادخواست ضرر و زیان نماید .

۲ - در امر جنائی مهلت تقدیم دادخواست تا قبل از جلسه مقدماتی است .

در صورتیکه تبصره ذیل این ماده دادگاه را متکلف نموده که وقت جلسه دادرسی را به شاکی خصوصی یا مدعی خصوصی و یا محل اقامت قانونی آنها ابلاغ نماید .

در این تبصره ، همانطوریکه گذشت ، قانونگذار ابلاغ به شاکی خصوصی رایکی از تکالیف دادگاه دانسته و جزء تشریفات دادرسی جزائی قلمداد کرده که با توجه به اهمیت تشریفات در امور جزائی و بخصوص در رسیدگی جنائی ، عدم رعایت این تکلیف از طرف دادگاه نتیجه ای برای تشریفات دادرسی محسوب و چنین دادرسی را غیرقانونی اعلام داشته است . نتیجه آنکه هرگاه جلسه دادگاه جزائی بدون رعایت تبصره ماده ۱۲ تشکیل گردد چنین دادگاهی از نظر قانونگذار غیرقانونی اعلام و احکام آن فاقد ارزش قضائی است .

با توجه به این اصل ، تبصره ذیل ماده ۱۲ دادگاه را مکلف می نماید که وقت جلسه دادرسی را به شاکی خصوصی ابلاغ نماید تا شاکی خصوصی ، با اطلاع از فرصت و مهلت قانونی در مقام تقدیم دادخواست برآید ، و چنانکه فوقاً اشاره شد ، علت وضع این تبصره و فلسفه وجودی آن ، صرفاً حفظ حق شاکی خصوصی بسنطور تقدیم دادخواست ضرر و زیان است و بنابراین لازم است ، هنگام استدلال در موضوع و یا استنباط نظر قضائی به این سنطور قانونگذار توجه خاصی مبذول گردد .

اشکال ظاهری تبصره ماده ۱۲ این است که تکلیف دادگاه را در خصوص (ابلاغ وقت دادرسی) بطور کلی و عام بیان نموده که شامل امور جنحه و خلاف و نیز امور جنائی میشود نسبت به جنحه و جنایت قائل به تفکیک نشده است زیرا

۱ - منظور از وقت دادرسی در امور جنحه ، بدون تردید ، اولین جلسه دادرسی

است. زیرا با توجه به متن ماده ۱۲ شاکی خصوصی فقط تا اولین جلسه دادرسی میتواند دادخواست خود را تقدیم نماید.

۲ - و اما در امور جنائی اگر بخواهیم جلسه دادرسی مذکور در تبصره را جلسه رسیدگی معنی کنیم لازم می آید که بشاکی خصوصی حق داده شود که بتواند تا جلسه رسیدگی دادخواست ضرر و زیان تقدیم کند و حال آنکه ماده ۱۲ شاکی خصوصی را فقط تا قبل از جلسه مقدماتی دادگاه جنائی مجاز در تقدیم دادخواست نموده است. از طرفی منظور اصلی قانونگذار از وضع تبصره ماده ۲ آنست که به شاکی خصوصی اخطار شود تا بتواند دادخواست ضرر و زیان تقدیم دارد و این نظر قانونگذار را نمی توان نادیده گرفت و حتماً باید وسیله برای شاکی خصوصی موجود باشد که تا قبل از مهلت مقرر در ماده ۱۲ با او اخطار شود که دادخواست ضرر و زیان تقدیم دارد. چه در غیر این صورت نه تنها برخلاف دستور قانون گذار عمل شده بلکه عملاً حق شاکی خصوصی تضییع گردیده و دادگاه نیز به تکلیف خود عمل نکرده است. ضمناً باینکه جلسات دادرسی بعلت عدم رعایت تشریفات نیز از اعتبار افتاده است. خلاصه آنکه هرگاه جلسه دادرسی مذکور در تبصره را به جلسه رسیدگی تعبیر کنیم، شاکی خصوصی را عملاً از دخالت و ورود به دادرسی جنائی ممنوع نموده ایم زیرا طبق ماده ۱۲ شاکی خصوصی فقط تا قبل از تشکیل جلسه مقدماتی حق تقدیم دادخواست دارد.

شک نیست که این اشکال نتیجه کلی بودن دستور تبصره فوق و ناشی از طرز تنظیم عبارات تبصره سزبور است که نظایر آن در تمام قانونگزاری ما مشاهده میشود و حتی قانونگذاران بسیار دقیق نیز از این خطاها مصون نیستند. عام و کلی بودن تبصره فوق و شمول آن به امور جنحه در عین حال دادگاهها را دچار تردید نموده تا جائیکه دادگاههای جنائی عملاً انجام تکلیف مندرج در تبصره فوق را عمل شاق دانسته و بهمین سبب آن را بلا اجرا گذاشته اند و معمولاً هیچگونه اطلاعی بشاکی خصوصی داده نمیشود، و حال آنکه طبق ماده ۳ قانون آئین دادرسی مدنی، در صورتیکه قوانین موضوعه کشوری کامل و یا صریح نبوده و یا متناقض باشد یا اصلاً قانونی در قضیه مطروحه وجود نداشته باشد، دادگاههای دادگستری باید موافق روح و مفاد قوانین موضوعه قضیه را قطع فصل نمایند و طبق ماده ۴ همین قانون دادگاهها نمی توانند بعد از اینکه قوانین موضوعه کامل نیست از رسیدگی و فصل دعاوی خودداری کنند.

نتیجه عدم تصمیم در این خصوص و سکوت گذاردن آن علاوه بر تضییع حقوق شاکی خصوصی، اصولاً تشکیل دادگاه را از جهت عدم رعایت تشریفات قانونی دچار اشکال و مواجه با بی اعتباری میسازد و عادلانه بودن رسیدگی های جنائی را مورد تردید قرار میدهد. از همه مهمتر آنکه پس از تشکیل جلسه مقدماتی دادگاه جنائی، شاکی خصوصی که جلسه مقدماتی با و ابلاغ نگردیده، علاوه بر آنکه حق تقدیم دادخواست را برای همیشه از دست داده سرجمی را نیز برای رسیدگی به اظهارات و اعتراضات خود نمی یابد تا بتواند با تقدیم عرایض خود به محکمه بالاتر و یا بهمان محکمه جنائی، حقوق از دست رفته خود را بازستاند.

شک نیست اداسه این روش نه شایسته مقام دادگستری و نه در خور شأن قضات محترم دادگاههای عالی جنائی است و بهر صورت باید در این خصوص فکری کرد. بخصوص

که با توجه به مفاد سواد مربوطه روح قانون و نظر قانونگذار بآسانی قابل درک می باشد. و چون خوشبختانه بین سواد مخصوص به تشکیل دادگاههای جنایی و سواد عمومی تعارضی وجود ندارد لذا با تلفیق این دو نوع از سواد قانون میتوان راه حل قضائی که در آن حق شاکی خصوصی حفظ شده باشد پیشنهاد کرد و البته این وظیفه ایست که قضات محترم دادگاه عالی جنائی با آن مواجه اند.

از مفاد سواد مربوطه و منظور قانونگذار چنین برمیآید که اصطلاح جلسه دادرسی مذکور در تبصره ماده ۱۲ از نظر تسامح بکار رفته و چون قانونگذار در مقام بحث از مقررات عمومی خلاف و جنحه و جنایت بوده اصطلاح کلی و عام بکار برده که هم شامل اولین جلسه در دادرسی های جنحه و هم شامل جلسه مقدماتی در امور جنائی باشد، بخصوص که قانونگذار تبصره مزبور را صرفاً بخاطر حمایت از حق شاکی خصوصی وضع نموده است. قانونگذار نظیر این تسامح را در تبصره ماده ۷ قانون تشدید مجازات رانندگان روا داشته و دادستان را (فقط در مورد بخصوص) مکلف کرده که قبل از جلسه اول به شاکی اطلاع دهد که دادخواست ضرر و زیان تقدیم دارد. در صورتیکه همه سی دانیم جلسه اول فقط در مورد امور جنحه بکار میرود و راجع به امور جنائی بیش از یک جلسه رسیدگی جلسه دیگری موجود نیست که ذکر جلسه اول در مقابل آنها، و بمنظور سبجا کردن از آنها، لازم باشد و این تسامح از نظر آن است که تبصره ماده ۷ در هر دو امر جنحه و جنایت مورد استعمال دارد.

گذشته از این جلسه دادرسی مذکور در تبصره ماده ۱۲ اصطلاح عامی است که در امور جنائی شامل جلسه مقدماتی (که خود جزء رسیدگی است) میشود و هم در امور جنحه بجای جلسه اول رسیدگی بکار میرود چون بدین ترتیب منظور تبصره ماده ۱۲ از اصطلاح جلسه دادرسی در امور جنائی (که در آن شاکی خصوصی بتواند دادخواست ضرر و زیان تقدیم دارد) چیزی جز جلسه مقدماتی نمی تواند باشد لذا روح قانون حکم می کند که قبل از تشکیل جلسه مقدماتی دادگاه مکلف است بدفتر دستور دهد که ابلاغ موضوع تبصره ۱۲ به شاکی خصوصی بعمل آید. بخصوص که سواد مربوط به تشکیل محاکم جنائی نیز که باید در مورد دادرسی های جنائی اختصاصاً رعایت شوند منافاتی با استنباط فوق ندارند و بلکه برعکس مؤید این نظر بوده و مقررات عمومی جرائی را تا آنجا که با سواد مخصوصه تشکیل محاکم جنائی منافات ندارند لازم الرعایه می شناسد با توجه به سواد ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ قانون تشکیل محاکم جنائی که تهیه مقدمات را توسط دفتر دادگاه بمنظور رعایت تشریفات لازم می داند اشکالی ندارد که قضات محترم دادگاههای جنائی، که بموجب ماده ۳ و ۴ آئین دادرسی موظف به استنباط سواد وفق روح قانون می باشند، در این خصوص نیربمقرر دارند دفتر دادگاه نیز ضمن رعایت تشریفات مقدماتی به شاکی خصوصی اخطار موضوع تبصره ماده ۱۲ را بنماید و همانطوریکه قبل از انقضای مدت اعتراضات طرح پرونده در جلسه مقدماتی دادگاه ممنوع است، عدم اخطار بشاکی خصوصی نیز مانع تسلیم پرونده به عضو محقق قلمداد گردد.

در این مورد لازم می دانیم که نظر وزارت دادگستری و مقام محترم دادستانی

کل وقضات محترم دادگاه عالی جنائی را به اتخاذ تصمیم فوری وقاطع و روشن جلب نمائیم وخاطر نشان سازیم که اهمیت قضیه ، چه از نظر حفظ حقوق شاکی خصوصی وعدالت خواهی وچه از نظر حفظ حیثیت وشأن دادگستری، بقدری است که ایجاب می نماید در صورت لزوم مقامات قانونگزاری را ملزم به اصلاح قانون بنمایند وبهر کیفیت استنباط روح قانون وتعیین حکم قضیه نازمانیکه قانون باین صورت باقی است باقضات محترم دادگاه عالی جنائی است که مقرر فرمایند دستور تبصره ساده ۱۲ آئین دادرسی کیفری در مورد تمام شاکیان خصوصی اسور جنائی بکار رود وکلید شاکیان خصوصی را قبل از تشکیل جلسه مقدماتی ، که آخرین مهلت وفرصت برای تقدیم دادخواست ضرر وزیان است ، دعوت نمایند .



پژوهشگاه علوم انسانی ومطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی